روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۱ مهر ۱۳۹۹ • ۴ صفر ۱۴۴۲ • ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۲۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۹
اذان صبح فردا ۴:۲۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

کودکان کوره‌های آجرپزی از هر فرصتی برای بازی استفاده می‌کنند. / عکس: پوریا ترابی، باشگاه خبرنگاران جوان

صاف و ساده

مدیریت واقع‌گرای جنگ

قادر باستانی

درباره جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، بسیار نوشته‌اند ولی به موضوع فرماندهی و نقش مدیریت در دوام و ختم جنگ، کمتر پرداخته شده است. آیت‌الله هاشمی، از طرف امام، فرمانده عالی جنگ بود و آن را با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل به پایان رساند. هاشمی در میان یاران امام، مدیریت مبتنی بر واقع‌گرایی داشت و این واقع‌گرایی و توجه به اقتضائات موجود صحنه و سعی در اصلاح خطای احتمالی، در طول نهضت اسلامی و نیز وقایع صدر انقلاب، توفیقات خوبی را نصیب روحانیت کرده بود. در طول جنگ نیز این سبک مدیریت باعث شد جلوی حرکت افراطی گرفته شود و با وجود مشکلات فراوان، جنگ به‌طور آبرومندانه‌ای پایان یابد.

انقلاب اسلامی، مثل همه انقلاب‌های دنیا، دو دسته نیرو داشت؛ اکثریت آرمان‌گرا یا ایدئالیست و اقلیت رئالیست یا واقع‌گرا. آرمان‌گراها که موتور محرکه انقلاب بودند و جان‌فشانی‌های بسیار برای رسیدن به هدف داشتند، دنبال مدینه فاضله‌ای بودند که کمال مطلوب بود. شعارهای جنگ جنگ تا پیروزی، جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم، راه قدس از کربلا می‌گذرد و نظایر آن، عمق علایق آنها بر تاثیرگذاری جهانی را نشان می‌داد اما واقع‌گرایان، دنبال پیروزی‌های کوچک، واقعی و مستمر بودند تا بتوانند حتی‌المقدور به اهداف بزرگ نزدیک شوند. این دو نوع تفکر در کنار هم، توان خوبی فراهم می‌کرد و ترکیب مناسبی برای رسیدن به موفقیت بود. بعد از فتح خرمشهر، صحبت از مذاکره و صلح با توجه به جو عمومی کشور امکان پذیر نبود. هاشمی از فرماندهان ارتش و سپاه می‌خواست کاری کنند یک پیروزی خوب حاصل شود و در سایه آن پیروزی خوب، پای میز مذاکره برای صلح بروند.

فرمانده جنگ در هر شرایطی، متناسب با آن شرایط، سعی می‌کرد به نتیجه مطلوب دست پیدا کند. اوج این تدبیر در سال ۱۳۶۵ و ماجرای سفر مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا به تهران، خود را نشان داد. هاشمی از طریق یک کانال ارتباطی توانست هیئت حاکمه آمریکا را مجاب کند که در ازای کمک به آزادی گروگان‌ها در لبنان، به ایران کمک تسلیحاتی کنند تا صدام را شکست دهد. مک فارلین با یک کتاب انجیل که رئیس‌جمهور آمریکا آن را به نشانه تعهد، امضا کرده بود و یک کلت اهدایی و کیک وارد مهرآباد شد و محموله موشک تاو را تحویل ایران داد. اگر برخی افشاگری و جوسازی نکرده بودند، جنگ و به تبع آن انقلاب، سرنوشت دیگری می‌یافت و کشورمان به دور از مشکلات نفس‌گیر امروز، به اهداف خود برای رفاه و آبادانی کشور و تحقق زیست مؤمنانه، دست پیدا می‌کرد.

همان موشک‌های تاو باعث شد ایران بتواند شهر فاو را فتح کند و روحیه مردم و رزمندگان را بالا ببرد اما افسوس که تداوم نیافت و جنگ به سمتی پیش رفت که ارتش آمریکا، خود به‌طور مستقیم در جنگ دخالت کرد. اما فرمانده جنگ، وقتی صحنه‌های رقت‌بار کشتار فجیع و بی‌رحمانه مردم بی‌گناه حلبچه را دید، به‌شدت متأثر شد. گریه امانش نمی‌داد. واقعا صدام چه موجود وحشی‌ای بود که به مردم خود هم رحم نمی‌کرد. او با خود اندیشید که اگر این دیوانه بغداد، بلای حلبچه را بخواهد سر شهرهایی مثل تبریز، کرمانشاه و ارومیه که در تیررس مداوم جنگنده‌های ارتش عراق بود، دربیاورد، چه فاجعه بزرگی رخ می‌داد. هاشمی برنامه ختم جنگ را کلید زد.

حالا ما راحت درباره ختم جنگ صحبت می‌کنیم اما قرارگرفتن در فضای آن روزگار که سال‌ها شعار جنگ جنگ تا پیروزی سر داده شده است، خانواده‌ها بهترین فرزندان خود را در این جنگ از دست داده‌اند و بسیاری جانباز و مفقود و اسیر شده‌اند، شهرها ویران شده و جنایت‌های بزرگ به انجام رسیده، حال چگونه می‌توان بدون پیروزی نهایی، صحبت از صلح و مذاکره با جنایتکاری همچون صدام کرد. واقع‌گرایی در سیاست همین است؛ اگر شرایط اقتضا کند، برای منافع ملی باید از جان و آبرو مایه گذاشت.

صلح پایدار با عراق، بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ دیپلماسی انقلاب اسلامی بود. بی‌جهت نبود که امام چنین شخصیتی را به فرماندهی جنگ انتخاب کرده بود. او توانست تلخی جام زهر پذیرش قطع‌نامه را با پیروزی و صلحی که این تصمیم برای ایران و نسل‌های آینده به همراه آورد، تبدیل به شیرین‌ترین شهدها برای امام و ملت ایران کند. آخرین‌باری که ایران در جنگی توانست همه تمامیت ارضی خود را حفظ کند، مربوط به جنگ‌های عثمانی بود و در جنگ‌های مختلف دوران قاجار و پهلوی، هربار بخشی از خاک ایران جدا شد اما در جنگ تحمیلی، با وجود آنکه ابرقدرت‌های جهان و کشورهای منطقه، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از عراق حمایت می‌کردند، پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ در ۲۶ تیر سال ۱۳۶۷ و برقراری آتش‌بس در ۲۹ مرداد همین سال، یک وضعیت ناپایدار نه جنگ نه صلح بین ایران و عراق ایجاد شد. از ابتدای اردیبهشت سال ۱۳۶۹، مکاتباتی بین صدام و هاشمی شکل گرفت. این مکاتبات، در نهایت در ۲۳ مرداد سال ۱۳۶۹، منجر به پذیرش تمامی خواسته‌های ایران توسط عراق به‌ویژه آزادشدن همه اراضی اشغال‌شده، آزادی بدون قید و شرط اسرای ایرانی و بازگشت به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد که بزرگ‌ترین موفقیت برای دیپلماسی ایران محسوب می‌شد. سرانجام با استفاده از شرایط بحرانی عراق که با اشغال کویت نیاز به ایجاد امنیت از ناحیه ایران داشت، مسئولان ازجمله آیت‌الله هاشمی توانستند اهداف ایران را بدون واگذاری هیچ امتیازی، از عراق به دست آورد. امروز مدیریت واقع‌گرای هاشمی، گوهر گمشده عرصه سیاست ماست. نه اینکه وجود ندارد، وجود دارد اما دست بالا با آن نوع تفکر نیست. سیاست مترقی نرمش قهرمانانه که حاصلش برجام بود، توسط چه کسانی تخریب شد؟ همان‌قدر که ترامپ و نتانیاهو در نابودکردن برجام سعی بلیغ کردند، عده‌ای در داخل همان سیاست را به زبان دیگری عملی کردند.

الان چطور می‌گوییم اگر برنامه کانال مک فارلین درست پیش رفته بود، ما جنگ را در شرایط دیگری به پایان می‌بردیم و انقلاب سرنوشت دیگری می‌یافت، فردا هم خواهیم گفت اگر عده‌ای ماجراجو، برجام را چنین هوا نمی‌کردند، شرایط به گونه دیگری پیش می‌رفت. یادآوری تاریخ برای آن است که عبرت بگیریم و درست عمل کنیم. کشور ما امروز تشنه مدیریت واقع‌گرایانه است.

تجربه دیگران

تهران گران‌تر از باکو

ایسنا: هزینه مسکن بیشترین تأثیر را در هزینه زندگی تهران داشته است. وبگاه لیوینگ‌کاست در ارزیابی جدید خود، متوسط هزینه زندگی ناخالص در شهر تهران را ماهانه ۳۷۲ دلار به‌ازای هر نفر اعلام کرد (مبلغ فوق بر حسب نرخ رسمی دلار یعنی چهارهزارو ۲۰۰ تومان و نه نرخ بازار آزاد اعلام شده است). هزینه کل زندگی که شامل هزینه مسکن نیز می‌شود، ماهانه ۸۲۸ دلار است. به این ترتیب تهران در بین ۹هزارو ۲۹۴ شهر منتخب پنج‌هزاروهشتصدوسی‌ششمین شهر گران جهان و ۳۷ درصد ارزان‌تر از گران‌ترین شهر جهان بوده است. در بین اقلام مختلف، هزینه مسکن ۴۵۵ دلار در ماه، حمل‌ونقل ۴۷.۲ دلار، غذا ۲۰۴ دلار و سایر اقلام ۱۲۱ دلار بوده است. در ادامه با متوسط هزینه زندگی در شهرهای منتخب جهان آشنا می‌شوید: مشهد ۴۷۸ دلار، اصفهان ۶۹۸ دلار، تبریز۴۴۰ دلار، شیراز ۴۲۰ دلار، باکو ۵۸۹ دلار، تفلیس ۵۶۷ دلار، دوحه هزارو ۸۰۴ دلار، دوبی هزارو ۸۳۶ دلار، استانبول ۶۲۳ دلار، کی‌یف ۷۴۰ دلار، نیویورک سه‌هزارو ۲۴۶ دلار، شانگهای هزارو ۲۶۳ دلار، لندن دوهزارو ۶۲۵ دلار، سنگاپور دوهزارو ۱۳۴ دلار، مسکو هزارو شش دلار، لس‌آنجلس دوهزارو ۶۶۹ دلار، سیدنی دوهزارو ۲۷۱ دلار و برلین هزارو ۷۰۳ دلار.

یادداشت

تدفین در مونیخ

امیر حاج‌رضایی

در اولین دیدار بوندس‌لیگا در فصل ۲۰۲۰-۲۰۲۱ بایرن‌مونیخ تیم شالکه را هشت بر صفر درهم کوبید. بایرن به تیم ترسناکی تبدیل شده که همه اروپا را تحت تأثیر خود قرار داده است. زمانی که سران این باشگاه به‌دنبال شکست مفتضحانه بایرن با نتیجه پنج بر یک مقابل فرانکفورت، «نیکو کواچ»، سرمربی کروات خود را تغییر دادند، «هانس دیتر فلیک» را که دستیار «یواخیم لو» در تیم ملی بود، به‌صورت موقت مسئول فنی کردند و به‌دنبال مربی نام‌آوری به جست‌وجو پرداختند تا از این مرحله گذار عبور کنند. اما آتش‌بازی «فلیک» آغاز شده بود. بایرن که سیاهه‌ای از مربیان نامدار را در ادوار مختلف روی نیمکت خود داشت که می‌توان از «اودو لاتک» و «دتمار کرامر» در دهه‌های دور و از«لوئیس فن خال»، «پپ گواردیولا» و «کارلو آنچلوتی» در چند سال اخیر نام برد، حالا نیمکت خود را به مردی تقدیم کرده بود که در میان مربیان نامدار جایی نداشت. «فلیک» فصل درخشانی را پشت سر گذاشت و سه‌گانه‌ای را فتح کرد که مردان بزرگی همچون «الکس فرگوسن»، «خوزه مورینیو»، «پپ گواردیولا» و «یوب هانیکس» آن را تصاحب کرده بودند و توانست خود را به تالار مشاهیر برساند. توپخانه بایرن در ۹۰ دقیقه برج و باروی شالکه را ویران کرد که البته چندان استحکاماتی نداشت. ثروتمندترین باشگاه آلمان، بوندس‌لیگا را تک‌قطبی کرده است. بایرن در مونیخ، پایتخت ایالت باواریا قرار دارد. بایرن با کسب ۳۰ قهرمانی بوندس‌لیگا، ۲۰ قهرمانی جام حذفی، شش قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا و یک قهرمانی در سوپرجام اروپا و جام باشگاه‌های جهان پرافتخارترین تیم آلمان است. این باشگاه در ۲۷ فوریه ۱۹۰۰ تأسیس شد و ورزشگاه آن موسوم به «آلیانتس آرنا» با گنجایش ۷۵ هزار نفر یکی از مدرن‌ترین استادیوم‌های اروپاست. بهترین گل‌زن تاریخ این باشگاه «گزد مولر» با ۵۱۵ گل است که عددی دست‌نیافتنی است. از لحاظ قدرت مالی چهارمین باشگاه ثروتمند اروپا بعد از رئال‌مادرید، بارسلونا و منچستریونایتد است.

بایرن‌مونیخ با قراردادی ۹۰۰ میلیون یورویی (۶۵۴ میلیون پوند)، همکاری خود با آدیداس را تا سال ۲۰۳۰ ادامه می‌دهد. آدیداس ۸.۳ درصد سهام بایرن را در اختیار دارد. همچنین مبلغی که آدیداس به بایرن پرداخت می‌کند، برابر ۸۰ میلیون یورو در سال است. همچنین آدیداس به عنوان سهام‌دار و اسپانسر بایرن مبالغ زیادی به بایرن برای ساخت آکادمی و هزینه‌های دیگر ورزشگاه کمک می‌کند.

دویچه‌تلکوم: یک شرکت مخابرات آلمانی است که مرکز آن در بن قرار دارد و بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی در اروپاست. این شرکت با پرداخت سالانه ۴۰ میلیون دلار تا سال ۲۰۱۷ با این باشگاه قرارداد داشت.

آئودی: آئودی شرکت خودروسازی آلمانی است که امسال پانزدهمین فصلی است که در کنار بایرنی‌ها می‌ایستد.

آلیانتس: آلیانتس شرکت چندملیتی خدمات مالی است که دفتر مرکزی آن در شهر مونیخ قرار دارد. این شرکت فعالیت‌های اقتصادی فراوانی دارد ولی تمرکز اصلی آن بر ارائه خدمات بیمه است. گروه خدمات مالی آلیانتس حقوق نام ورزشگاه را تا ۳۰ سال خریداری کرده اما در بازی‌های رسمی فیفا و یوفا نمی‌توان از این نام استفاده کرد؛ زیرا سیاست‌های منع شرکت‌های اسپانسر که شرکای رسمی مسابقات هستند، بر این روند حاکم است.

از دیگر شرکت‌های حامی این باشگاه، شرکت خودروسازی مان و پاولانا از مهم‌ترین برندهای نوشیدنی جهان هستند. از دیگر حامیان مالی می‌توان به شرکت هواپیمایی قطر، دی‌اچ‌ال و سامسونگ اشاره کرد.

این یکی از دلایل بزرگی است که هیچ باشگاهی در آلمان قدرت رقابت با این تیم را ندارد. شکست سنگین شالکه موقعیتی پیش آورد تا به گوشه‌ای از شرایط این غول فوتبال آلمان بپردازیم.

۷۵ سال از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم می‌گذرد، در این مدت آنها به یکی از قدرت‌های صنعتی جهان تبدیل شدند و این قدرت به همه شئون این کشور منتقل شده است که به بایرن‌مونیخ پرداختیم. بی‌مناسبت ندیدم به اختصار به حریف نگون‌بخت آنها شالکه اشاره‌ای داشته باشیم که زیر چرخ ماشین جنگی بایرن له شدند.

شالکه۰۴ در «گلزن کرشن» قرار دارد و تاکنون هفت بار قهرمان شده و یکی از پرهوادارترین تیم‌ها در فوتبال آلمان است و در چهارم می ۱۹۰۴ تأسیس شده است. برخلاف تکذیب باشگاه «شالکه»، آلمان‌ها هیتلر را طرفدار«شالکه» می‌دانند.

دربی «روهر» در شهر «کلزنکرش»، بین شالکه و بورسیادورتموند از جذاب‌ترین دربی‌های آلمان است. باید منتظر شروع جام قهرمانان اروپا باشیم و تقابل این بایرن ترسناک را با قدرت‌های بزرگ این قاره شاهد باشیم و آن زمان به قضاوت بهتری خواهیم رسید.

سلام به فردا

پول‌شویی در معتبرترین بانک‌های دنیا

چهار سال پس از انتشار اسناد پاناما بار دیگر کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیق گزارشی مفصل و جدیدی را درباره فسار مالی، جابه‌جایی پول‌های کثیف و دست‌داشتن دولت‌ها در جابه‌جایی پول‌های کارتل‌های قاچاق یا تروریستی افشا کرده است. گزارشی مفصل که نشان می‌دهد ۲۰۰هزار معامله مالی مشکوک به ارزش بیش از دو تریلیون دلار آمریکا حدفاصل سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۷ در چندین و چند مؤسسه مالی معتبر رخ داده و حتی اطلاع‌یافتن دولت‌ها از انجام این معاملات هم نتوانسته مانع از انجام این معاملات و جابه‌جایی‌ها شود. در این گزارش بیشتر به فعالیت‌های دویچه‌بانک، جی‌پ مورگان، HSBC انگلیس، Bank of New york Mellon و Standard Chartered که بیشترین تخلف را در جابه‌جایی پول‌های کثیف داشته‌اند، پرداخته شده است. بی‌بی‌سی در توصیف این گزارش نوشته که «بزرگ‌ترین بانک‌های جهان به مجرمان اجازه داده‌اند پول‌های کثیف را در سراسر جهان جابه‌جا کنند». ۴۰۰ روزنامه‌نگار از صد بنگاه خبری و ۸۸ کشور جهان دست به دست هم دادند تا این گزارش مفصل و پرجزئیات را منتشر کنند و بازفید روز گذشته آن را روی خروجی خود قرار داد. گزارش ابعاد گسترده‌ای دارد و مناسبات کشورهای زیادی در آن دخیل شده است و برای مثال کره‌شمالی توانسته به کمک برخی شرکت‌های واسط چینی و به کمک بانک‌هایی آمریکایی یک پروژه گسترده پول‌شویی را در ایالات متحده پیش ببرد. انتشار این اسناد در انگلستان هم زلزله‌ای خبری به پا کرده است. غیر از اینکه بانک HSBC انگلستان به انجام معاملاتی با ظن پول‌شویی متهم شده، پای جریان مالی روسی به حزب محافظه‌کار انگلستان آن‌هم در زمان رأی‌گیری برگزیت هم باز شده است. در این میان نامی از ایران هم به میان آمده و مسئله پرونده بانک استاندارد چارتد انگلستان بار دیگر روی میز قرار گرفته است. بانکی که در سال ۲۰۱۲ به دورزدن تحریم‌های ایران متهم و سال گذشته نهایتا با جریمه ۱.۱ میلارد دلاری برای نقض این تحریم‌ها مواجه شد. علاوه بر اینها، دنبال‌کردن هشتگ #FinCENFiles که از روز گذشته در توییتر و در واکنش به جزئیات انتشار این گزارش به راه افتاده، ردپای رضا ضراب و پرونده معروفش را هم در این گزارش نشان می‌دهد. اما انتشار این گزارش درپی یک گزارش تیمی و تحقیقی معروف رخ داده که به اسناد پاناما معروف شد. چهار سال پیش یکی از کارکنان موساک فونسکا، یک شرکت معروف و محافظه‌کار مالی بین‌المللی، با روزنامه زوددویچه تسایتونگ آلمان تماس گرفت و مجموعه اسنادی را در اختیار این رسانه آلمانی قرار داد که پایه‌گذار گزارش معروف اسناد پاناما شد. گزارشی که ۹ ماه روزنامه‌نگاران آلمانی و مجموعه‌ای از روزنامه‌نگاران کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی روی آن کار کردند و نهایتا با راستی‌آزمایی اسناد آن را منتشر کردند. حالا و بعد از تجربه موفق انتشار آن گزارش بار دیگر کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیق، گزارش مفصل و پرجزئیاتی را منتشر کرد که از نظر ساختار شبیه به گزارش اسناد پاناماست؛ گزارشی که نشان می‌دهد آگاهی دولت‌ها از جابه‌جایی پول‌های کثیف ناشی از قاچاق یا تجارت‌های سیاه هم به‌هیچ‌وجه نتوانسته جلوی جریان پول‌های کثیف را بگیرد.

دغدغه‌های طبیبانه

درود بر صلح و گفت‌وگو

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● آدمیان به دلایل مختلف به خصومت با یکدیگر و بدتر از آن به جنگ با هم می‌پردازند. همیشه صلح و گفت‌وگو بهترین راه‌حل و درعین‌حال سخت‌ترین آنها و جنگ و خصومت راحت‌ترین راه‌حل و درعین‌حال بدترین آن است. دلیل برای دشمنی بین انسان‌ها کم نیست؛ از اختلاف عقیده و مسلک گرفته تا جنگ بر سر غذا و زمین و ثروت. همه اینها در طول تاریخ عاملی برای جنگ و کشتار بوده است. درست است که گاهی از جنگ گریزی نیست، مثل حمله به خانه و کاشانه انسان که باید به دفاع از آن برخیزد اما ای‌کاش خوی درنده‌خویی در انسان تا این اندازه شدید نبود که خودخواهانه برای گسترش ثروت و قلمروی خود دست به نابودی دیگری بزند. جنگ درعین‌حال از بزرگ‌ترین دغدغه‌های طبیبانه است. پزشکان و پرستاران و سایر کادر درمان وظیفه‌ای بزرگ در یک جنگ ایفا می‌کنند. آنها برخلاف طبیعت جنگ که کشتن و نابودکردن است، دست به مرهم‌گذاری و بهبود دیگری، حتی دشمن خود می‌زنند؛ انگار در بطن یک جنگ، خوبی‌های مستتر در وجود انسان را یادآور می‌شوند؛ یادآوری این نکته که می‌توانیم به کمک هم بشتابیم و دست مهربانی بر سر یکدیگر بکشیم. جنگ تبعاتی بسیار طولانی دارد؛ تبعاتی که گاه پیدا و در اکثر موارد پنهان است. هنوز هم می‌توان در مناطق مرزی ایران و عراق مینی عمل‌نکرده و کشف‌نشده یافت؛ مینی که می‌تواند به ناگاه زیر پای بچه‌ای منفجر شود و در بهترین حالت او را برای همیشه از داشتن پا محروم کند. من در شهرستان مریوان سرباز بودم؛ یک پزشک وظیفه. یک بار پسری را خونین به درمانگاه آوردند. برای چیدن قارچ به جنگل

رفته بود و بعد ترکیدن مین سبب شده بود پایش از بالای زانو جدا شود. فقط توانستم اندکی جلوی خونریزی را بگیرم و سریعا اعزامش کنم. نمی‌دانم چه شد و به کجا رسید اما قیافه آن کودک همیشه جلوی چشمانم هست. تعداد زیادی از بیماران من مجروحان شیمیایی جنگ بودند. سرفه‌های متعدد، تنگی نفس و ضایعات پوستی که بسیار مزمن شده بودند و هیچ درمانی هم نداشتند. یک‌سری قرص و اسپری فقط می‌توانست به‌صورت موقت از درد و آلام آنها بکاهد. چند روز پیش به دستیارانم گفتم درست است که کرونا ضربه‌های زیادی به سلامت جامعه زد اما فرصتی گرانبها برای ما نیز محسوب می‌شود. همیشه تهدیدهای بزرگ، بزرگ‌ترین فرصت‌ها به‌شمار می‌روند. مهم اینجاست که از آنچه اتفاق می‌افتد، درس بگیرید. هیچ‌کدام از ما و استادانمان تجربه‌ای از پاندمی‌ای به این وسعت و شدت نداشته‌ایم. این پاندمی می‌تواند ما را قوی‌تر کند. موضوعات جدیدی را در مورد انسان و بیماری به ما بیاموزد. سبب شود که ویروس‌ها، این دشمنان سلامتی انسان را به‌خوبی بشناسیم. بدانیم که چه رفتارهای متفاوتی می‌توانند در بدن داشته باشند. نقاط ضعف‌مان را به ما گوشزد کند. به ما بفهماند که چرا در مواجهه با کرونا غافلگیر شدیم. کرونا نیز مانند جنگ است؛ مهم اینجاست که چگونه به آن نگاه کنیم، هرچند خیلی وقت‌ها هزینه آن، آن‌قدر زیاد می‌شود که دیگر قابل‌توجیه نیست. بیماری در بخش داریم که خود جزئی از کادر درمان است. به‌واسطه همین کادر درمان بودنش هم سال‌ها در جنگ بود. همان‌جا هم شیمیایی شد. بعد از آن کج‌دارومریز با مشکلات ریوی خود سر می‌کرد. گاهی بستری می‌شد. بهتر که می‌شد، به زندگی روزانه خود بازمی‌گشت. تا اینکه کرونا آمد و جامعه ما را درهم نوردید. بیشترین آسیب را هم کسانی دیدند که یک بیماری زمینه‌ای داشتند؛ مثلا از یک بیماری ریوی رنج می‌بردند. او هم که ریه‌ای بیمار از جنگ داشت، به کرونا مبتلا شد. اما تبعات این ریه بیمار به اینجا ختم نشد. دچار سکته مغزی شد؛ سکته‌ای که اکنون به‌خوبی می‌دانیم میزان آن در بیماران مبتلا به کرونا بالاتر بوده و شدت بیشتری نیز دارد. حالا روی تخت آی‌سی‌یو، وابسته به دستگاه تنفسی میان مرگ و زندگی در حال نبرد است. شاید کرونا مسبب اصلی آن باشد اما این رنج از زمانی آغاز شد که فردی به‌دلیل خوی حیوانی تصمیم گرفت به کشوری دیگر حمله کند و جوانان آن را به خاک و خون بکشد. جنگ بد است. جنگ ویرانگر و تباه‌کننده است. با هم نجنگیم. با هم مهربان باشیم. مهربانی بزرگ‌ترین و برترین خصلتی است که یک انسان می‌تواند واجد آن باشد.